

دریافت مقاله: ۸۹/۱/۳۱ پذیرش نهایی: ۸۹/۵/۴
صفحات: ۱۰۱-۱۲۰

بررسی عوامل موثر در مهاجرت دانشجویی مطالعه موردی: سیستان و بلوچستان

طهمورث بهروزی نیا: استادیار دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه تربیت معلم تهران^۱

چکیده

این مطالعه بررسی عوامل جذب در مهاجرت دانشجویان می باشد. مشخصه خاص این تحقیق نسبت به سایر طرح های مشابه این است که این طرح در استانی اجرا شده است که نه تنها محرومیت اقتصادی را تجربه می کند بلکه مهاجرت به خارج استان را نیز تجربه کرده است. فرض بر این بوده است که انتخاب چنین شرایطی برای تحقیق می تواند به یافتن موثرترین عوامل جذب در مهاجرت دانشجویان کمک کند. در این تحقیق با توجه به کمبود آمار و ارقام و نارسایی های آماری در مورد دانشجویان، از آزمایش فرضیات خود بر روی جامعه نمونه استفاده شد. مطالعه اولیه نشان داد سه عامل بیش از سایر عوامل بر انگیزه های مهاجرت دانشجویان تاثیر گذارتر بوده اند. عواملی همچون کیفیت علمی بالای دانشگاه جهت ادامه تحصیل - اشتغال یا فرصت یافتن شغل و احتمال همسر گزینی از شهر میزبان از عوامل مهم جذب جمعیت متخصص به این شهر بوده اند. مقایسه این سه عامل نشان داد که عامل اشتغال نقش تعیین کننده تری را در ایجاد انگیزه برای اقامت بازی می کند. همچنین نشان داده شد که عامل ازدواج اگرچه نقش تعیین کننده و قاطعی را در انگیزه های مهاجرت بازی می کند اما به لحاظ آماری به دلیل پایین بودن نسبت آن و همچنین بدلیل موانع فرهنگی از نظر برنامه ریزی و تشویق دانشجویان غیر بومی به ازدواج با دانشجویان بومی نقش کم رنگ تری را نسبت به عامل اشتغال داشته است. این

behrouzinia@tmu.ac.ir

^۱. نویسنده مسئول:

Email:

پژوهش همچنین با توجه به درصد بالای دانشجویان طالب ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر که ۸۷٫۹ درصد کل نمونه را تشکیل می دادند نشان داد که عامل ادامه تحصیل می تواند نقش مهمی را در ایجاد انگیزه در انتخاب دانشگاه شهر میزبان و در نتیجه اتخاذ تصمیم به اقامت طولانی تر در آن بازی کند. پایه تحلیل این پژوهش با توجه به ناقص بودن آمارهای موجود، بر مبنای آمارهای حاصل از نمونه گیری گذاشته شده است.

کلیدواژگان: مهاجرت داخلی، دانشجویان، اشتغال، آموزش عالی، سیستان و بلوچستان

مقدمه

مشکلات محیطی استان سیستان و بلوچستان (اقلیم خشک، صحرای خشک و بیابانی، دوری از مرکز، همجواری با کشورهای دارای مشکل و ...) را می توان یکی از عوامل اصلی محرومیت محیط اجتماعی - اقتصادی این استان دانست. وجود چنین شرایطی موجب شده است این استان نه تنها از استان های مهاجر پذیر نباشد بلکه بصورت یک استان مهاجر فرست نیز عمل کند. مهاجرت نیروهای متخصص از این استان، محیط اجتماعی - اقتصادی استان را با مخاطره مواجه کرده است. یکی از عوامل رفع محرومیت در این استان جذب نیروهای متخصص به آن است. شناخت عوامل و زمینه های جذب دانشجویان به عنوان نیروی بالقوه متخصص برای محرومیت زدایی از این استان ضروری و امری است که تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است.

مطالعات زیادی نشان داده اند که یکی از عوامل مهم برای تصمیم گیری به مهاجرت به مکانی دیگر آشنایی قبلی با آن مکان است. دوره ای که دانشجویان جهت انجام تحصیلات در شهر میزبان طی می کنند بهترین و مناسب ترین شرایط برای آشنایی و جذب دانشجویان جهت تصمیم گیری به مهاجرت می باشد. اقامت طولانی مدت این قشر در شهر میزبان می تواند انگیزه های لازم را برای اقامت دائم آنها در این شهر بوجود بیاورد.

این تحقیق با توجه به کمبود آمار و ارقام و نارسایی های آماری در مورد دانشجویان، از طریق آزمایش فرضیات خود بر روی جامعه نمونه قصد دارد نشان دهد که در یک استان محروم و مهاجر فرست هنوز عوامل جذب کننده ای وجود دارند که می توانند نقش مهمی را در ایجاد انگیزه های مهاجرت و رشد پتانسیل های مهاجرت به چنین استانی بازی کنند.

مطالعه اولیه^۱ نشان داد که سه عامل بیش از سایر عوامل بر انگیزه های مهاجرت دانشجویان تاثیر گذارتر بوده اند. عواملی همچون کیفیت علمی بالای دانشگاه جهت ادامه تحصیل - اشتغال یا فرصت یافتن شغل و احتمال همسر گزینی از شهر میزبان از عوامل مهمی بودند که در این تحقیق مورد بررسی و مقایسه قرار گرفتند.

مبانی نظریه ای تحقیق

یکی از عوامل مهم و تاثیر گذار در تصمیم گیری انسان ها برای مهاجرت دائم به شهرها، دیدار و آشنایی قبلی آنها از آن شهر است. دوره ای که دانشجویان برای اهداف آموزشی در جامعه میزبان می گذرانند می تواند انگیزه های لازم را برای اقامت دائم آنها در آن جامعه به وجود بیاورد. مطالعات زیادی نیز نشان داده اند که "طول مدت اقامت" نقش مهمی در تشویق و ایجاد انگیزه در مهاجرین در اخذ تصمیم گیری برای اقامت دائم در جامعه میزبان داشته است (Mol 1971; Bouma 1994; Hugo 1994, 2004; Wooden 1994; Western *et al.* 1998; Fletcher 1999; Behrouzinia 2001; Khoo *et al.* 2005 etc.) یک مطالعه تحقیقاتی در دانشگاه واشنگتن نشان داد که از نظر دانشجویانی که قصد ادامه تحصیل دارند، سطح علمی و کیفیت آموزشی دانشگاه نیز می تواند از عوامل مهم و جاذب آنها باشد (University of Washington, 1968). همچنین مطالعات زیادی نشان داده اند که ارتباط زیادی بین "طول مدت اقامت" و "فرصت اشتغال" در جامعه میزبان وجود دارد که میتواند نقش مهمی را در اخذ تصمیم گیری برای اقامت دائم در آن جامعه ایفا کند (Mol 1971; Bouma 1994; Hugo 1994, 2004; Wooden 1994; Western *et al.* 1998; Behrouzinia 2001; Cobb-Clark 2001; Khoo *et al.* 2005 etc.) وجود "فرصت اشتغال" در جامعه میزبان عامل مهم دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد. مطالعات زیادی نشان داده اند که این عامل می تواند طول مدت اقامت را در جامعه میزبان بیشتر کند که منجر به اقامت دائم فرد در آن شهر شود (Mol 1971; Bouma 1994; Hugo 1994, 2004; Wooden 1994; Western *et al.* 1998; Behrouzinia 2001; Cobb-Clark 2001; Khoo *et al.* 2005 etc.) همچنین تعدادی از مطالعات نشان داده اند که عامل "همسر گزینی از شهر میزبان" نیز می تواند نقش مهمی در ایجاد انگیزه برای اقامت دائم در آن شهر داشته باشد (Bouma 1994, Behrouzinia 2001 etc).

¹. Pilot study

پیشینه ی تحقیق

در ایران تحقیقات کمی در مورد مهاجرت دانشجویان و عوامل موثر بر تصمیم گیری آنان برای مهاجرت صورت گرفته است. ضعف ادبیات تحقیق در این زمینه باعث شده است به این جنبه از مهاجرت که نمادی از مهاجرت بالقوه متخصصان است کمتر توجه شده و نتوان از این نیروهای بالقوه مهاجر استفاده بهینه نمود. بنابراین، ادبیات مربوطه نشان می دهد که جز یک مورد (ابراهیمی ۱۳۸۱: ۹۶-۸۱) که در مورد علل و عوامل اقتصادی مهاجرت نخبگان از دید دانشجویان برق و کامپیوتر در دو دانشگاه طراز اول کشور بررسی داشته است سایر تحقیقات ارتباط بسیار کمی با موضوع داشته اند. این تحقیق نشان داد که از نظر دانشجویان بطور کلی عوامل اقتصادی نقش پررنگ تری نسبت به عوامل علمی - آموزشی، اجتماعی - فرهنگی، سیاسی برای اقدام به مهاجرت داشته اند. هرچند در این پژوهش شکاف عمیقی بین پارامترهای اقتصادی در ایران و کشورهای توسعه یافته دیده می شود همچنین دانشجویان با افزایش تحصیلات خود، وضعیت اقتصادی بهتری را در خارج از کشور برای خود تصور می کنند. همانگونه که مشاهده می شود نه تنها این تحقیق بیشتر به مهاجرت نخبگان به خارج از کشور توجه داشته، بلکه تنها نظرات دانشجویان برق و کامپیوتر نیز مورد سوال قرار گرفته شده است. علاوه بر این، به نقش ازدواج و کیفیت سطح علمی دانشگاه برای دانشجویانی که قصد ادامه تحصیل داشته اند در مهاجرت دانشجویان اشاره ای نشده است (ابراهیمی ۱۳۸۱: ۹۶-۸۱).

نگاهی به ادبیات تحقیق در این زمینه در خارج از کشور نیز نشان می دهد که در مورد انگیزه ها و عوامل موثر بر مهاجرت دانشجویان و نحوه تصمیم گیری آنها در امر مهاجرت، تحقیقات کمی صورت گرفته است. اگرچه گزارشات و تحقیقات زیادی در مورد ارقام مهاجرتی آنها منتشر شده است اما به عوامل و انگیزه های دانشجویان برای مهاجرت کمتر توجه شده است (Hugo 1983, 1994; Bell 1995, 1997; Bell & Maher 1995; Bell & Hugo 2000; Toner 2001; Behrouzinia 2001; Khoo et al. 2005; etc.) از میان نزدیکترین این تحقیقات که به انگیزه های دانشجویان برای مهاجرت توجه کرده است، می توان از کار دانشگاه واشنگتن در ۱۹۶۸ نام برد. این تحقیق که مهاجرت دانشجویان دانشگاه را در ایالات متحده آمریکا مورد بررسی قرار داده به نقش عوامل اقتصادی در ایجاد انگیزه های مهاجرت دانشجویان تاکید داشته است (University of Washington, 1968). صرف نظر از اینکه این تحقیق بسیار قدیمی بوده و بدلیل تغییر شرایط اجتماعی و اقتصادی از نتایج آن کمتر می توان در جامعه آمریکا استفاده نمود، به عواملی همچون نقش ازدواج و کیفیت سطح علمی دانشگاه برای دانشجویانی

که قصد ادامه تحصیل داشته اند در مهاجرت دانشجویان اشاره ای نداشته است. مک هاگ و همکاران^۱ در یک بررسی اولیه بر روی عوامل تاثیر گذار بر تصمیم گیری دانشجویان برای مهاجرت دریافتند که دانشجویان غیر مقیم بیش از آنکه بتوان تصور کرد نسبت به سطح شهریه حساس هستند و اینکه شرایط اقتصادی در ایالت مقصد یک عامل مهم در تصمیم گیری دانشجویان برای اقدام به مهاجرت می باشد (McHugh et. al. ۱۹۸۴: ۲۷۸-۲۶۹). آنها همچنین دریافتند که عوامل نامتقارن و غیر متعارف تاثیر گذار بر مهاجرت وجود دارند که بدون دسترسی به آمار و داده های مربوط به مهاجرت نمی توان به آنها واقف شد. در مورد نقش موسسات آموزشی در جذب دانشجویان به شهر میزبان، میکسون و همکاران^۲ با بکارگیری از داده ها و آمارهای نسبتا وسیع مربوط به موسسات آموزشی ثبت نام های خارج ایالتی موسسات آموزش عالی در سراسر امریکا را تعیین و بررسی کردند (Mixon et. al. 1994: 329-335). مطالعه آنها نشان داد که اندازه و بزرگی کالج، شرایط کالج از نظر خصوصی یا عمومی بودن، برتری کالج، میزان مشارکت در ورزش های دانشگاهی، و دیگر عوامل برای دانشجویان غیر بومی که کالبد اصلی دانشجویی دانشگاه را می سازند مهم می باشند (Mixon et. al. 1994: 329-335). اگرچه این تحقیق بر روی نقش موسسات آموزش عالی در جذب دانشجویان غیر بومی تمرکز داشته است؛ اما رده بندی علمی موسسه و شرایط آن در میان رقبا در مقایسه با سایر عوامل تعیین کننده کمتر مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این، دیگر عوامل اجتماعی - اقتصادی نیز مورد مطالعه قرار نگرفته است. باتالوا^۳ اگرچه در مورد دانشجویان خارجی و سهم دانشگاه های امریکا در جذب این دانشجویان تحقیق می کند، به نقش دانشگاه ها در جذب دانشجویان از طریق ارائه امکانات بیشتر آموزشی و پژوهشی و ایجاد شرایط کاری (حتی بصورت کوتاه مدت) برای دانشجویان اشاره می کند (Batalova ۲۰۰۷: ۱-۷).

این پژوهش با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی ایران، انگیزه های اقتصادی مهاجرت دانشجویان و نقش عواملی همچون "ازدواج" و "کیفیت سطح علمی دانشگاه" که بر ایجاد انگیزه مهاجرت دانشجویان نقش داشته اند را مورد توجه قرار داده است.

^۱ McHugh et. al.

^۲ Mixon et, al.

^۳ Batalova

داده ها و روش تحقیق

یکی از مراکز مهم که آمار و ارقام مربوط به دانشجویان را در اختیار دارد مرکز آمار ایران است. اگرچه آمارهای کلی در آن مرکز موجود می باشد اما متأسفانه در سطوح جزئی تر و تفصیلی، بخصوص آمارهای کیفی مربوط به جابجایی های دانشجویان کمبود و نارسایی های آماری بوضوح حس می شود. یکی از مراکز معتبر و مهم دیگری که خود متولی امور دانشجویان می باشد و بطور منطقی باید آمارهای مربوط به دانشجویان را داشته باشد وزارت علوم تحقیقات و فناوری است. اما آمارها و ارقام ارائه و نشر شده این وزارتخانه اگرچه با جزئیات بیشتری نسبت به ارقام مرکز آمار ایران است (برای مثال آمار دانشجویان به تفکیک جنس و دانشگاه محل تحصیل ...) بدلیل نداشتن بعضی ویژگی ها از جمله تقسیمات سنی و محل تولد و سکونت آنها قبل از ورود به دانشگاه ناقص و دارای نارسایی هایی است. مراکز دیگری که بنا بر وظیفه خود و به سلیقه اقدام به نشر بعضی گزارشات می کنند دانشگاه و مراکز مدیریت اداری و برنامه ریزی است. آمارهای این مراکز نیز بدلیل کلی بودن مانند آمارهای دیگر قابلیت استفاده چندانی ندارند.

با توجه به ناقص بودن و نبود آمارهای لازم در مرکز آمار ایران و وزارت علوم تحقیقات و فناوری و سازمان مدیریت و برنامه و بودجه و حتی دانشگاه سیستان و بلوچستان پایه تحلیل این پژوهش بر مبنای آمارهای حاصل از نمونه برداری گذاشته شده است. نظر به اینکه جامعه مورد مطالعه دانشجویان رشته ها و مقاطع مختلف تحصیلی است، این جامعه ابتدا به سه زیر مجموعه عمده کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد تقسیم شده است. سپس این مقاطع بر اساس رشته تحصیلی به طبقات مختلف تقسیم شده و در نهایت نمونه ها بصورت تصادفی از این طبقات انتخاب شده اند. با توجه به اینکه اندازه طبقات یکسان و برابر نمی باشد از روش تخصیص متناسب^۱ استفاده شده است. به عبارتی دیگر اندازه نمونه های مربوط به طبقه های مختلف متناسب با اندازه های طبقات انتخاب شده اند. بنابراین، روش این تحقیق مبتنی بر انجام نمونه گیری تصادفی طبقه بندی شده^۲ از یک درصد جامعه مورد مطالعه (دانشجویان رشته های مختلف دانشگاه سیستان و بلوچستان) می باشد. پس از توزیع و تکمیل پرسشنامه ها توسط دانشجویان، داده های بدست آمده توسط برنامه های Spss و Excel مورد تحلیل

^۱. Proportional Allocation

^۲. Stratified Random Sampling

آماري قرار گرفته اند. منابع کتابخانه ای نیز جهت تکمیل تحلیل های آماری بدست آمده و نتیجه گیری مورد استفاده قرار گرفته اند.

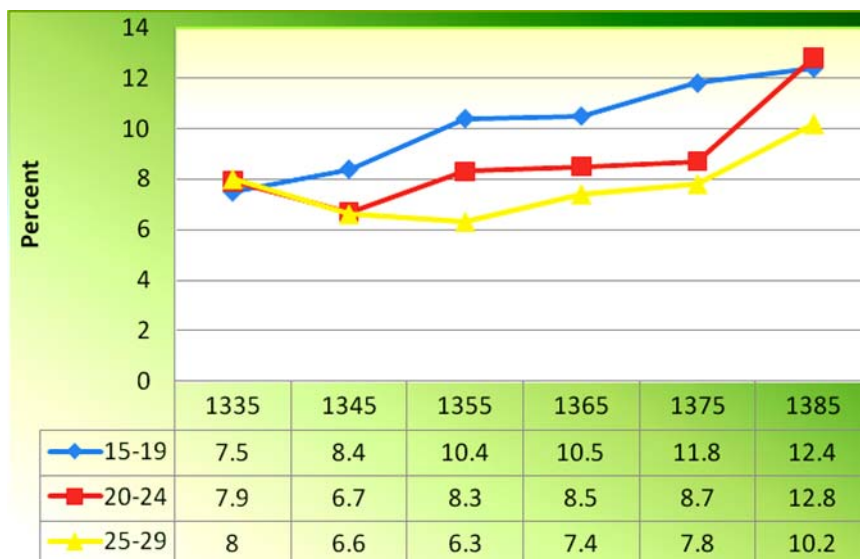
برای نمونه گیری از دانشجویان، حدود ۶۰۰ پرسشنامه به طریقی که در بالا ذکر گردید بین دانشجویان توزیع گردید. از این تعداد ۵۶۷ پرسشنامه تکمیل و پس فرستاده شد که پس از کسر پرسشنامه های باطله تعداد ۵۵۳ پرسشنامه مورد استفاده نهایی قرار گرفت.

لازم به ذکر است با توجه به تعداد کل دانشجویان این دانشگاه در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳ که تعداد حدود ۱۳۵۰۰ نفر گزارش شده است (دانشگاه سیستان و بلوچستان)، نمونه مورد مطالعه ۴٫۱ درصد کل جامعه آماری را تشکیل می دهد.

تحولات جمعیتی دانشجویان

رشد فزاینده جمعیت جوان ایران (شکل ۱) موجب شده است تقاضا برای بخش های مختلف اقتصادی و اجتماعی بطور غیر منتظره ای افزایش یابد بطوریکه سطح عرضه این بخش ها نتواند پاسخگوی نیازهای جمعیت رو به افزایش گردد تا آنجائیکه بحث اضافه جمعیت با حدیت بیشتری مطرح گردیده است. در پاسخ به نیازهای جمعیتی، ادارات، موسسات و بخش های دولتی و خصوصی سعی در افزایش ظرفیت اسمی خود داشته اند. علاوه بر این، سیاست های دولت در جهت تشویق بخش های دولتی برای خود کفایی مالی ادارات مطبوع بر سرعت این افزایش ظرفیت نیز افزود. در این راستا، دانشگاه ها سهم موثری در بالا بردن ظرفیت اسمی خود و پاسخگویی به نیازهای جمعیتی داشته اند.

جدول ۱ نشان دهنده رشد سریع تعداد دانشجویان کشور و یا به عبارتی بالا رفتن چشمگیر ظرفیت دانشگاه ها می باشد. مقایسه بین رشد تعداد دانشجویان و رشد جمعیت کشور مشخص می سازد که این دو رشد دارای یک همخوانی تقریباً نزدیکی می باشند. همسان با رشد ۳٫۹ تا ۲٫۵ درصدی جمعیت کشور در دهه های ۶۵-۱۳۵۵ و ۷۵-۱۳۶۵ و رشد گروه های سنی ۱۵ الی ۲۹ (شکل ۲)، درصد افزایش دانشجو نیز به حداکثر خود ۴۰٫۶ درصد در سال تحصیلی ۷۶-۱۳۷۵ رسیده است. با توجه به اینکه سهم دانشجویان خارجی در دانشگاه های کشور بسیار ناچیز و نسبت دانشجویان غیر بومی به دانشجویان بومی بیشتر بوده است می توان چنین استنباط کرد که سهم دانشجویان در حرکات جمعیتی و مهاجرت های داخلی نیز افزوده شده است.



شکل (۱) نمودار گروه های سنی انتخابی جمعیت ایران در سالهای مختلف به درصد

ماخذ: سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن کل کشور، مجلدات کل کشور در سالهای ۸۵-۱۳۳۵

با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران و اینکه زنان در دوران مجردی پس از پایان دوره تحصیل بیشتر تابع والدین هستند و بنا بر وابستگی عاطفی و اقتصادی و همچنین عرف اجتماعی به شهر اولیه خود باز خواهند گشت مگر در صورت ازدواج که تابع همسر خواهند گشت (موردی که در نمونه مورد مطالعه دیده شد)، لذا شانس ماندگاری آنها در شهری که به دانشگاه رفته اند نسبت به جنس مرد کمتر خواهد بود. بررسی روند تغییرات نسبت جنسی دانشجویان در جدول ۱ نشان می دهد که نسبت جنسی از سال تحصیلی ۷۱-۱۳۷۰ الی ۸۶-۱۳۸۵ بطور شاخصی از ۲۵۴٫۸ به ۷۳٫۱ درصد به نفع جنس زن کاهش یافته است. این موضوع می تواند بطور چشمگیری بر تحلیل های مهاجرتی دانشجویان تاثیر گذار باشد.

جدول (۱) روند افزایش دانشجویان کل کشور ۸۶-۱۳۷

سال تحصیلی	مرد	زن	تعداد کل	درصدافزایش	نسبت جنسی
۱۳۷۰-۷۱	۲۴۷۰۷۶	۹۶۹۶۹	۳۴۴۰۴۵	-	۲۵۴,۸
۱۳۷۵-۷۶	۳۶۹۹۰۷	۲۰۹۱۶۳	۵۷۹۰۷۰	۴۰,۶	۱۷۶,۹
۱۳۸۰-۸۱	۳۸۱۵۰۵	۳۷۸۳۶۵	۷۵۹۸۷۰	۲۳,۸	۱۰۰,۸
۱۳۸۱-۸۲	۳۹۶۷۱۹	۴۱۲۸۴۸	۸۰۹۵۶۷	۶,۱	۹۶,۱
۱۳۸۲-۸۳	۴۳۰۴۹۳	۴۹۳۴۲۰	۹۲۳۹۱۳	۱۲,۴	۸۷,۲
۱۳۸۳-۸۴	۴۶۹۴۱۰	۵۴۹۵۷۰	۱۰۱۸۹۸۰	۹,۳	۸۵,۴
۱۳۸۴-۸۵	۵۳۴۲۰۱	۶۵۶۸۴۷	۱۱۹۱۰۴۸	۱۴,۴	۸۱,۳
۱۳۸۵-۸۶	۶۵۰۰۷۵	۸۸۸۷۹۹	۱۵۳۸۸۷۴	۲۲,۶	۷۳,۱

ماخذ: وزارت علوم و فناوری، ۷۱۳۸

روند تغییرات جمعیت دانشجویان در استان سیستان و بلوچستان

موج روندبالارفتن ظرفیت دانشگاه ها برای پاسخگویی به نیازهای جامعه به استان سیستان و بلوچستان نیز رسید. همانطور که در جدول ۲ مشهود است تنها بین سالهای تحصیلی ۷۹-۱۳۷۸ تا ۸۵-۱۳۸۴ ظرفیت دانشگاه های استان ۱۰۷,۴ درصد افزایش یافته است که این میزان برای جنس مرد ۹۱,۲ و برای جنس زن ۱۲۸,۹ درصد بوده است. البته همانطوریکه قبلا گفته شد علت بالا بودن درصد افزایش زنان نسبت به مردان به کاهش نسبت جنسی در سطح کل کشور بخصوص در گروه های سنی ۲۴-۱۵ مربوط می شود(شکل ۲). با وجود کاهش نسبت جنسی جمعیت کل کشور در گروههای سنی پایین (شکل ۲) و تاثیر آن بر افزایش تقاضای ورود زنان به دانشگاه های کشور، تغییر شرایط اجتماعی-اقتصادی کشور را که راه را برای ورود بیشتر زنان به بازار کار و مشارکت های اجتماعی باز کرده است را نیز نباید نادیده گرفت. در مجموع، سهم دانشگاه های استان سیستان و بلوچستان از دانشجویان کل کشور در سالهای مزبور بین ۲,۹ تا ۳,۵ درصد می باشد که دلالت بر پایین بودن ظرفیت دانشجو پذیری دانشگاه های این استان دارد که تا حدی ریشه در محروم بودن این استان دارد. درهرحال، با وجود محرومیت استان سیستان و بلوچستان و پایین بودن ظرفیت دانشجویی دانشگاه های آن، هنوز دانشگاه های این استان نسبت به دانشگاه های دولتی و عمده دو استان همسایه خود از موقعیت بهتری برخوردار است (جدول ۳). همانطوریکه در جدول شماره ۳ مشاهده می شود صرف نظرازکرمان که شرایط مطلوب تری را نشان می دهد، دانشگاه سیستان

و بلوچستان با جذب و پذیرش دانشجوی بیشتر نسبت به دو استان دیگر مجاور خود توانسته است موقعیت برتر خود را به نمایش بگذارد. این شرایط می تواند شانس و پتانسیل این استان را برای پذیرش مهاجرت دانشجویی بیشتر کند.

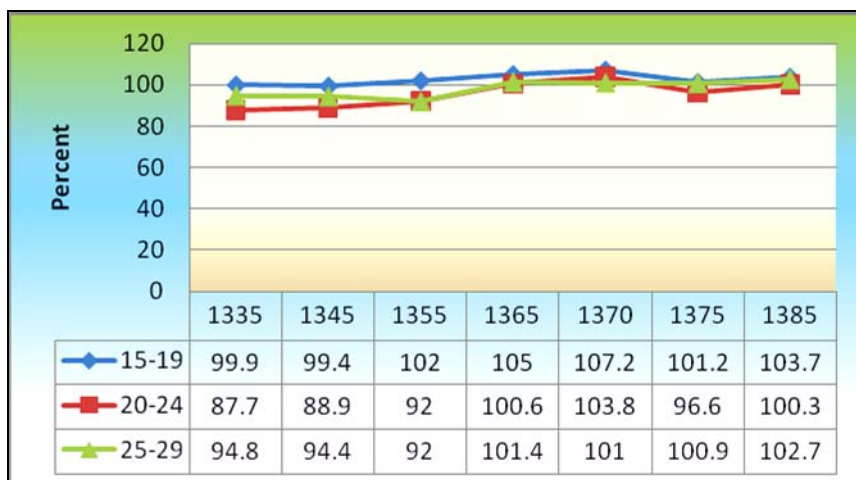
جدول (۲) روند رشد تعداد دانشجویان استان سیستان و بلوچستان در سال های تحصیلی ۸۵-۸۵

۸۱۳۷

سال	کل کشور			استان سیستان و بلوچستان*			درصد سهم دانشگاه های استان
	مرد	زن	تعداد کل	مرد	زن	تعداد کل	
1378-79	۳۷۹۳۱۹	299333	678652	11385	8565	19950	2.9
1380-81	381505	378365	759870	13825	12025	25850	3.4
1382-83	430493	493420	923913	15807	15347	31154	3.4
1383-84	469410	549570	1018980	17817	17460	35277	3.5
1384-85	534201	656847	1191048	21772	19601	41373	3.5

* شامل دانشگاه های سیستان و بلوچستان و دانشگاه علوم پزشکی، به استثنای دانشگاه آزاد

ماخذ: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۵



شکل (۲) نمودار نسبت جنسی جمعیت کل کشور بر حسب گروه های سنی انتخابی ۸۵-۱۳۳۵

ماخذ: سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن کل کشور، مجلدات کل کشور در سالهای ۸۵-۱۳۳۵

عامل دیگری که در افزایش حجم مهاجرت تاثیرگذار می باشد نسبت دانشجویان غیر بومی است. افزایش این نسبت می تواند در بالا رفتن میزان احتمال مهاجرت آنها به استان موثر باشد. به عبارتی هر چه میزان دانشجویان غیر بومی که به استان میزبان می روند بیشتر باشد شانس و امکان مهاجرت آنها به استان مزبور بالاتر خواهد رفت. اما بررسی روند پذیرش دانشجویان بومی و غیر بومی در دانشگاه سیستان و بلوچستان در سالهای تحصیلی ۷۵-۱۳۷۰ کم شدن درصد پذیرش دانشجویان غیر بومی را در مقابل افزایش دانشجویان بومی نشان می دهد (شکل ۳). اگر چه هنوز نسبت دانشجویان غیر بومی به دانشجویان بومی بیشتر است اما روند کلی پذیرش آنها رو به کاهش گذاشته که نتیجه نهایی آن پایین آمدن شانس و امکان مهاجرت افراد غیر بومی بوده است. لازم بذکر است که این پژوهش فقط نتیجه فرایندهای بوجود آمده حاصل از یک سری سیاست های اعمال شده را بدون آنکه قصد نقد یا بررسی آنها را داشته باشد به تصویر کشیده و مورد تحلیل جمعیتی قرار داده است.

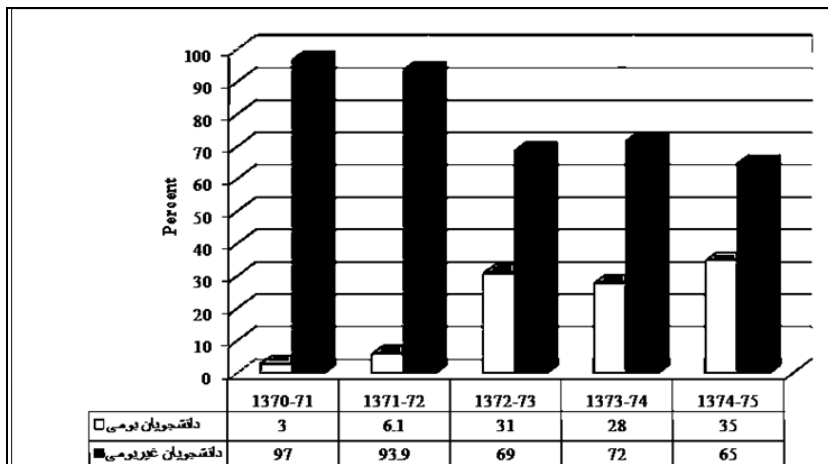
جدول (۳) تعداد کل دانشجویان دانشگاه های سیستان و بلوچستان در مقایسه با سه استان همسایه

در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴

استان		تعداد کل	مرد	زن
سیستان و بلوچستان	تعداد کل	41373	21772	19601
	تعداد پذیرفته شده	9311	5510	3801
خراسان جنوبی	تعداد کل	12421	5250	7171
	تعداد پذیرفته شده	4340	1963	2377
کرمان	تعداد کل	44990	21291	23699
	تعداد پذیرفته شده	13993	6381	7612
یزد	تعداد کل	33448	16347	17101
	تعداد پذیرفته شده	10501	5249	5252

* شامل دانشگاههای سیستان و بلوچستان و دانشگاه علوم پزشکی، به استثنای دانشگاه آزاد

ماخذ: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۵

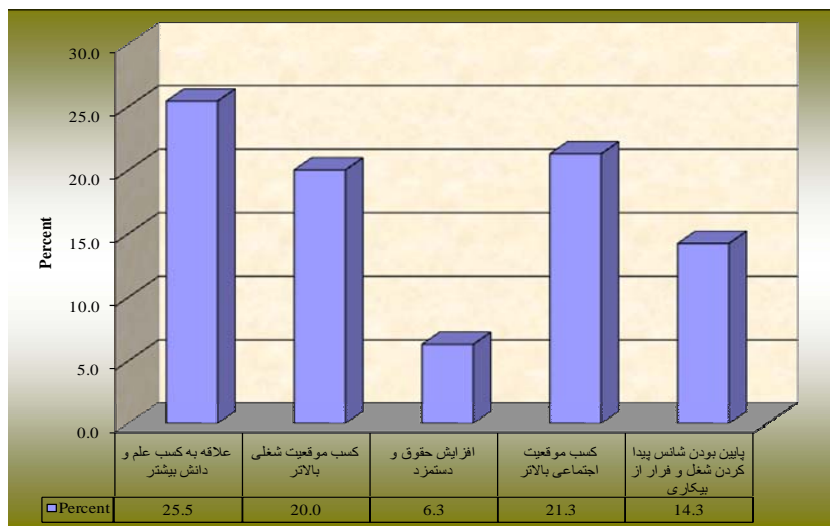


شکل (۳) روند پذیرش دانشجویان بومی و غیر بومی در دانشگاه سیستان و بلوچستان در سال های تحصیلی ۷۵-۱۳۷۰ (ماخذ: آمار تفصیلی داوطلبان و پذیرفته شدگان کنکور سراسری سالهای ۵۷-۱۳۷۰ سازمان سنجش آموزش کشور)

الف: عامل اشتغال

تحقیقات بسیاری نشان داده اند که عامل اشتغال یکی از عوامل مهم و عمده در تصمیم گیری مردم برای مهاجرت به مکانی دیگر بوده است (Wooden 1994, Hugo 1994, 2004, Cobb-Clark *et al* 1998, Behrouzinia 2001, etc). این پژوهش قصد دارد با آگاهی از این فرضیه، احتمال پیدا کردن کار در ارتباط با رشته تحصیلی دانشجویان و اینکه چه درصدی از آنها پس از اتمام تحصیلات شان در جستجوی کار می باشند را مورد بررسی قرار دهد. فرض این پژوهش این است که هر چه متقاضی کار در بین دانشجویان بیشتر باشد داوطلب و پتانسیل تصمیم گیری برای اقامت دائم یا حداقل طولانی مدت در جامعه میزبان بیشتر خواهد بود. لازم به ذکر است که این پژوهش بدنبال وجود ظرفیت اشتغال پذیری استان نبوده، بلکه قصد آن نشان دادن نیروی بالقوه متخصص در جستجوی کار به مسئولین استان است که مراکز و موسسات می توانند با ایجاد بازار کار در جهت تشویق دانشجویان به اقامت در استان برای آنها شغل ایجاد نمایند.

با توجه به دانسته های فردی پژوهشگر از بعضی عادات و هنجارهای^۱ جامعه مبنی بر اینکه بعضی جوانان به علت اینکه نمی توانند وارد بازار کار شوند تمایل به ادامه تحصیل از خود نشان می دهند، لذا برای صحت و سقم این فرضیه ضریب همبستگی بین دو متغیر "امید به اشتغال در رشته ای که دانشجو درحال تحصیل است" و "قصد ادامه تحصیل وی" مورد آزمایش قرار گرفت. نتیجه آزمایش نشان داد که ضریب همبستگی پیرسون^۲ بین دو متغیر ۰.۲۲۳- می باشد، به عبارتی یک ارتباط معکوس نسبی (اگرچه ضعیف) بین آن دو متغیر وجود دارد. همچنین جداول توافقی^۳ دو متغیر مبین این استنتاج بوده اند. به بیان دیگر هرچه امید به اشتغال در رشته ای که دانشجو درحال تحصیل بوده کمتر باشد تمایل او به ادامه تحصیل بیشتر است. در حقیقت می توان تمایل دانشجویان به ادامه تحصیل را نوعی فرار از بیکاری دانست.



شکل (۴) مقاصد ادامه تحصیل دانشجویان مورد مطالعه ۱۳۸۴

1. Norms

2. Pearson Correlation Coefficient

3. Cross-Tabulations

لازم به ذکر است که از میان دانشجویان مورد مطالعه که قصد ادامه تحصیل داشته اند (۸۷،۷ درصد از کل نمونه) فقط ۲۵،۵ درصد علت تمایل به ادامه تحصیل خود را علاقه به کسب علم و دانش بیشتر ذکر کردند، در حالیکه ۷۴،۵ درصد دیگر دلایلی همچون پایین بودن شانس پیدا کردن شغل و فرار از بیکاری را مطرح نمودند (شکل ۴).

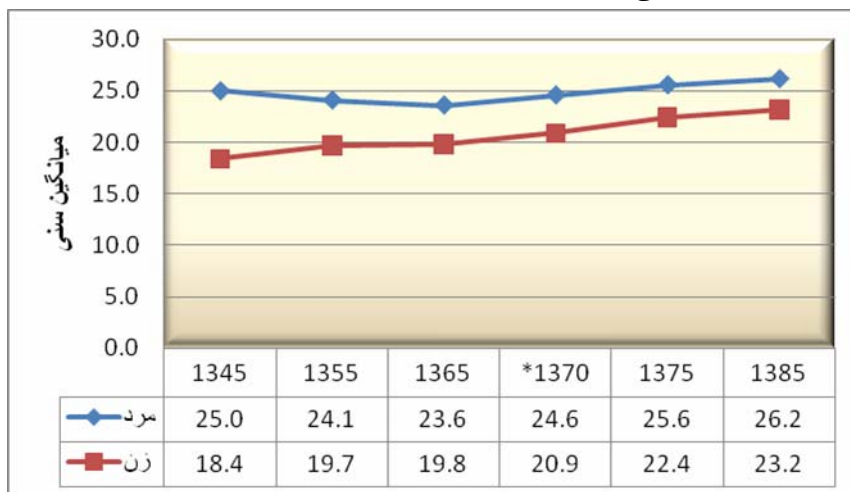
اینکه آیا همه دانشجویانی که مورد مطالعه قرار گرفتند بیکار و پس از فارغ التحصیلی "نیروی در جستجوی کار" محسوب می شوند جای بحث دارد؟ یک نگاه به وضعیت اشتغال دانشجویان مورد مطالعه قبل از ورود به دانشگاه، نشان می دهد که فقط ۴،۹ درصد از آنها شاغل بوده اند، در حالیکه این رقم در بعد از ورود به دانشگاه به ۲ درصد تقلیل یافته است. بررسی جداول توافقی نشان می دهد که ۸۱،۸ درصد از دانشجویانی که بعد از ورود به دانشگاه دارای شغل می باشند، قبل از ورود به دانشگاه نیز شاغل بوده اند. این رقم برای متولدین استان سیستان و بلوچستان ۶۶،۷ درصد و برای متولدین سایر استان ها ۸۷،۵ درصد بوده است. این بررسی نشان می دهد که پتانسیل جستجو و تقاضای کار در بین دانشجویان غیر بومی زیاد و حتی بیشتر از بومی ها بوده است. به عبارت دیگر، به علت بالا بودن متقاضی کار، پتانسیل تصمیم گیری دانشجویان غیر بومی برای اقامت دائم یا حداقل طولانی مدت در استان (در صورت وجود موقعیت های شغلی) زیاد خواهد بود.

ب: عامل ازدواج و همسرگزینی

یکی از عوامل بسیار قوی در ایجاد انگیزه به مهاجرت از محل سکونت اولیه خود به محلی دیگر همان ازدواج است. تحقیقات انجام شده پیرامون این موضوع همه بر درجه اهمیت خیلی بالای آن به عنوان یکی از انگیزه های اصلی در تصمیم گیری برای مهاجرت تاکید کرده اند (Wooden 1994, Hugo 1994, Behrouzinia 2001, etc). این پژوهش برای روشن ساختن وضعیت ازدواج دانشجویان سوالاتی را در این زمینه مربوط به قبل و بعد از ورودشان به دانشگاه مطرح ساخت تا از این طریق به احتمال همسرگزینی دانشجویان از شهر میزبان (زاهدان) که دانشگاه در آن مستقر است پی ببرد. از طرفی دیگر با ارائه نسبت درصد دانشجویانی که هنوز ازدواج نکرده اند نشان خواهد داد که احتمال همسرگزینی این قشر دانشجویی از شهر میزبان هنوز بالا می باشد.

یک نگاه به متوسط سن اولین ازدواج در کشور (شکل ۵) نشان می دهد که تطابق کاملی بین این شاخص و متوسط سن دانشجویان وجود دارد. به عبارت دیگر، این مقایسه نشان داد

که دانشجویان در گروه سنی ازدواج قرار دارند و بدین ترتیب احتمال ازدواج و همسرگزینی آنها در شهر میزبان نیز زیاد می باشد.



شکل (۵) متوسط سن اولین ازدواج در جمعیت ایران، ۸۵-۱۳۴۵

ماخذ: سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن کل کشور، مجلدات کل کشور در سالهای ۸۵-۱۳۴۵
* آمار غیر سرشماری

بررسی وضعیت تاهل در میان دانشجویانی که مورد مطالعه قرار گرفته اند نشان می دهد که ۷,۸ درصد از دانشجویان بعد از قبولی در دانشگاه متاهل شده اند. در حالیکه فقط ۳,۴ درصد از کل دانشجویان مورد مطالعه قبل از ورود به دانشگاه متاهل بوده اند. مقایسه این دو نسبت مشخص کرد که درصد نسبتاً قابل توجهی از دانشجویان (۷,۸ درصد) بعد از قبولی در دانشگاه متاهل شده و شانس بیشتری برای ازدواج با همسرانی که متولد استان سیستان و بلوچستان باشند داشته اند. همچنین ۶۰ درصد از دانشجویانی که بعد از قبولی در دانشگاه متاهل شده اند همسر خود را از زاهدان برگزیده اند که از میان آنها ۳۳,۳ درصد دانشجویانی بودند که محل تولد آنها استان سیستان و بلوچستان نبوده است.

بررسی وضعیت تاهل در بین دانشجویان نشان داد که ۹۶,۶ درصد از دانشجویان قبل از ورود به دانشگاه مجرد بوده اند که این نسبت بعد از ورود به دانشگاه به ۹۲,۴ درصد تقلیل یافته است. با وجود این کاهش، هنوز درصد بالایی از دانشجویان مجرد بوده و شانس انتخاب

همسر از شهری که دانشگاه در آن مستقر است را دارند. به عبارت دیگر، هرچه میزان مجردها بیشتر باشد احتمال سکنی گزینی آنها در این استان نیز بالا خواهد رفت.

ج: عامل ادامه تحصیل

یکی دیگر از عواملی که می تواند موجب ماندگاری بیشتر دانشجویان در یک ناحیه شود طول مدت اقامت آنها است. به عبارتی، هرچه طول اقامت آنها بیشتر شود شانس ماندگاری شان بطور طولانی مدت تر یا دائم بیشتر خواهد شد. تحقیقات بسیاری نشان داده اند که رابطه مستقیم بین طول مدت اقامت در یک مکان و میزان افزایش انگیزه در تصمیمگیری به اقامت دائم و یا مهاجرت دائم به آن مکان مورد تایید است (Mol 1971; Bouma 1994; Hugo 1994; Wooden 1994; Western et al. 1998; Behrouzinia 2001; Khoo et al. 2005 etc.) در این راستا، با توجه به اینکه تمایل دانشجویان برای ادامه تحصیل در دانشگاه های شهر میزبان موجب افزایش طول مدت اقامت آنها در آن شهر می شود، از دانشجویان مورد مطالعه که قصد ادامه تحصیل داشتند علت انتخاب یا عدم انتخاب دانشگاه سیستان و بلوچستان برای ادامه تحصیل سوال شد. از میان این دانشجویان که ۸۷،۹ درصد کل نمونه را تشکیل می دادند ۶۴،۹ درصد قصد انتخاب این دانشگاه برای ادامه تحصیل را نداشتند و فقط ۳۵،۱ درصد این دانشگاه را برای ادامه تحصیل انتخاب کردند. در پاسخ به علت عدم انتخاب این دانشگاه برای ادامه تحصیل، ۳۴،۵ درصد اشاره به پایین بودن سطح علمی دانشگاه، ۱۹،۶ درصد اشاره به نبودن رشته در دانشگاه برای مقطع بالاتر، ۳۴،۲ درصد علت عدم علاقه به شهر زاهدان جهت اقامت دائم، و ۱۱،۴ درصد دور بودن این شهر را از محل اقامت اصلی اولیه خود ذکر کردند. ۱۷،۷ درصد از دانشجویانی که قصد انتخاب این دانشگاه را برای ادامه تحصیل نداشتند متولدین و بومی این استان بوده که در مورد علت عدم انتخاب این دانشگاه ۴۲،۹ درصد از آنها اشاره به پایین بودن سطح علمی دانشگاه داشتند. در مقابل، تنها ۳۲،۷ درصد از متولدین سایر استان ها به این علت اشاره داشتند. همچنین وجود درصد بالاتر دانشجویان بومی نسبت به دانشجویان غیر بومی (۳۲،۱ درصد در مقابل ۱۶،۹ درصد) که نبودن رشته تحصیلی مورد علاقه در دانشگاه را مطرح کرده، حکایت از تمایل دانشجویان بومی نسبت به دانشجویان غیر بومی برای رفتن به استان های دیگر دارد.

۳۵،۱ درصد از دانشجویان مورد مطالعه، این دانشگاه را برای ادامه تحصیل انتخاب کردند، که از میان آنها فقط ۱۴،۷ درصد بالا بودن سطح علمی دانشگاه را علت تصمیم گیری خود

مطرح کردند. درحالیکه ۶۵,۹ درصد صرف وجود رشته در این دانشگاه، و ۱۷,۹ درصد علاقه خود به این شهر را عنوان نمودند. با توجه به اینکه ۳۲,۴ درصد از دانشجویانی که این دانشگاه را برای ادامه تحصیل انتخاب کردند دانشجویان بومی و ۶۷,۶ درصد دانشجویان غیر بومی بوده اند، مقایسه پاسخ دانشجویان بومی و غیر بومی نشان داد که تنها ۴۰ درصد دانشجویان بومی علت انتخاب این دانشگاه را علاقه به شهر زاهدان ذکر کرده اند درحالیکه فقط ۶,۱ درصد از دانشجویان غیر بومی به این علت اشاره داشتند. نتیجه اینکه جاذبه های شهر میزبان نتوانسته است به اندازه دو عامل دیگر در جذب دانشجویان موثر باشد.

نکته ای قابل تعمق، درصد دانشجویانی که "بالا بودن سطح علمی دانشگاه" را عنوان کرده اند در میان دانشجویان غیر بومی بیشتر از دانشجویان بومی بوده است (۱۷,۴ مقابل ۹,۱ درصد). با توجه به اینکه درصد دانشجویان بومی که علت عدم انتخاب خود را از این دانشگاه "پایین بودن سطح علمی دانشگاه" دانسته، بالاتر از دانشجویان غیر بومی بوده (۴۲,۹ در مقابل ۳۲,۷ درصد)، می توان بر این استنباط تاکید کرد که دانشجویان بومی تمایل بیشتری به رفتن به سایر استان ها را دارند. در هر حال، با توجه به اینکه درصد بالاتری از دانشجویان علت انتخاب این دانشگاه را برای ادامه تحصیل وجود رشته مورد علاقه دانسته اند، می توان چنین استنباط کرد که دانشگاه در مسیر ایجاد رشته های بیشتر نقش مهمی در جذب دانشجویان بخصوص دانشجویان غیر بومی که درصد بالاتری به این عامل اشاره داشته اند (۷۴,۸ در مقابل ۴۷,۳ درصد) می تواند بازی کند.

نتیجه گیری

این تحقیق با توجه به کمبود ارقام و آمار و نارسایی های آماری در مورد دانشجویان، از طریق آزمون فرضیات خود نشان داد که سه عامل اشتغال، ازدواج و همسر گزینی، و قصد ادامه تحصیل در دانشگاه میزبان نقش مهمی را در ایجاد انگیزه های مهاجرت و رشد پتانسیل های مهاجرت به استان بازی می کنند. مقایسه این سه عامل در جذب دانشجویان به اقامت در استان نشان داد که عامل اشتغال نقش تعیین کننده تری را در ایجاد تصمیم گیری برای اقامت بازی می کند. علت آن همان طوریکه بیان شد، بالا بودن متقاضی کار و در نتیجه بالا بودن پتانسیل تصمیم گیری دانشجویان غیر بومی برای اقامت دائم یا حداقل طولانی مدت در استان است. همچنین در این مطالعه نشان داده شد که عامل ازدواج اگرچه نقش تعیین کننده و قاطعی را در انگیزه های مهاجرت بازی می کند اما به لحاظ آماری به دلیل پایین بودن نسبت آن و نیز

به دلیل موانع فرهنگی از نظر برنامه ریزی و تشویق دانشجویان غیر بومی به ازدواج با دانشجویان بومی نقش کم رنگ تری را نسبت به عامل اشتغال خواهد داشت. این پژوهش همچنین با توجه به درصد بالای دانشجویان طالب ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر که ۸۷٫۹ درصد کل نمونه را تشکیل می دادند نشان داد که عامل ادامه تحصیل می تواند نقش مهمی را در ایجاد انگیزه در انتخاب این دانشگاه و در نتیجه اتخاذ تصمیم به اقامت طولانی تر در استان بازی کند.

سپاسگزاری

این مطالعه حاصل یک طرح پژوهشی می باشد که توسط دانشگاه سیستان و بلوچستان تأمین اعتبار شده است. محقق بعنوان مسئول طرح وظیفه خود می داند از دانشگاه سیستان و بلوچستان به خاطر حمایت از این طرح و همچنین از اعضای این دانشگاه که در اجرای طرح محقق را یاری رسانده اند تشکر نماید.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیمی، یزدان (۱۳۸۱) " بررسی عوامل اقتصادی موثر بر تمایل دانشجویان رشته های برق و کامپیوتر به مهاجرت"، پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی بهار و تابستان
۲. سازمان سنجش آموزش کشور (۱۳۸۷) آمار تفصیلی داوطلبان و پذیرفته شدگان کنکور سراسری، سالهای مختلف
۳. دانشگاه سیستان و بلوچستان، راهنمای جامع دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره های مختلف.
۴. وزارت علوم تحقیقات و فناوری (۱۳۸۹) آمارنامه های سالهای مختلف..
۵. مرکز آمار ایران، سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن کل کشور، مجلدات کل کشور شامل سالهای ۳۵ الی ۱۳۸۵.

Batalova, Jeanne, 2007: *The Brain Gain Race Begins with Foreign Students*. Migration Information Source, Migration Policy Institute.

Behrouzina, Tahmoores, 2001: *The Socio-demographic Characteristics of Muslim Communities in Australia, 1981-1996*. Ph.D. thesis, The University of Adelaide, Adelaide, 532 Pp.

Bell, Martin & Maher, and Chris, 1995: *Internal migration in Australia 1986-1991: the labour force*. Canberra: Australian Govt. Pub. Service.

Bell, Martin, 1995: *Internal migration in Australia 1986-1991: overview report*. Canberra: Australian Govt. Pub. Service.

Bell, Martin, 1997: *Interstate migration: the South Australian experience*. [Adelaide, S. Aust.]: Dept. for Transport, Urban Planning and the Arts and the University of Adelaide.

Bell, Martin & Hugo, and Graeme, 2000: *Internal migration in Australia 1991-1996: overview and the overseas-born*. Canberra: AusInfo.

Cobb-Clark, D., 2001: *The longitudinal Survey of Immigrants to Australia*. The Australian Economic Review, 34 (4), 467-477.

Cobb-Clark, D., and B. J. Chapman, 1998: *The Changing Pattern of Immigrants' Labour Market Experiences*. Canberra: Department of Immigration and Multicultural Affairs.

Fletcher, Michael, 1999: **Migrant Settlement: A Review of the Literature and its Relevance to New Zealand**. Report Commissioned by the New Zealand Immigration Service.

Hugo, Graeme, 1983: **Interstate migration in Australia, 1976-1981**. Bedford Park, S. Aust: Flinders University of South Australia, National Institute of Labour Studies.

Hugo, Graeme, 1994: *Introduction: Australian Immigration: A Survey of the Issues*. In *Australian Immigration: A Survey of the*

Issues, ed. M. Wooden, R. Holton, G. Hugo, J. Sloan, Pp. 1-29, Canberra: Australian Government Publishing Service.

Hugo, Graeme, 2004: *International Migration in the Asia-Pacific Region: Emerging Trends and Issues*. pp.77-103, In *International Migration: Prospects and Policies in a Global Market*, D.S. Massey and J.E. Taylor (eds.), Oxford University Press, Oxford.

Khoo, Siew-Ean, Hugo, Graeme & McDonald, Peter, 2005: *Temporary skilled migrants in Australia [electronic resource]: employment circumstances and migration outcomes*. Canberra: Dept. of Immigration and Multicultural and Indigenous Affairs.

Mc Hugh, Richard; James N. Morgan; 1984: *The determinants of interstate student migration: A place to place analysis*. Economics of Education Review, Vol. 3, Issue 4, Pp. 269-278.

Mixon, Franklin; Jr-and yuHsing; 1994: *The determinants of out-of-state enrollments in higher education: A to bit analysis*. Economics of Education Review, Vol. 13, Issue 4, Pp. 329-335.

Productivity Commission, 2005: *Economic impacts of migration and population growth*. [Canberra, A.C.T.] : Productivity Commission, electronic resource.

Toner, Phillip, 2001: *Impact of skill migration on skill formation and the labour market [electronic resource]*. Employment Services Centre, University of Newcastle, Sydney: NSW Board of Vocational Education and Training.

University of Washington, 1968: *Migration of college and university students in the United States*. Seattle: University of Washington Press.

Wooden, M. 1994: *The Labour-Market Experience of Immigrants*. In *Australian Immigration: A Survey of the Issues*, edited by M.

Wooden, R. Holton, G. Hugo, and J. Sloan, Pp. 218-273, Canberra:
Australian Government Publishing Service.